

قانون

اتفاق . عدالت . ترقی .

| | | |
|---------------------------|--|---------------------------------------|
| نمبره اول غره رجب ۱۳۰۷ | محل صدور این جریده در دفترخانه کمپنی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد نمبره ۳۸ در لندن . | قیمت اشتراک سالانه یکت لیره انگلیس |
|---------------------------|--|---------------------------------------|

بسم الله الرحمن الرحيم

—*—

اللهم بداننا باسمک العظیم . بعد الاتکال علی عونک
الکریم . بنشر صحیفه "القانون" قانوناً لمبادت
المومنین . ونسوراً یهدی باموله خیر المهتدین .
فارشدها وایاهم الی صراط الرشاد المستقیم . وانر
عقولنا بنیراس العلم السلیم . لنسلک فی متہاج العدل
والستقامه . ونحفظ جنتامه الصالحین یوم القیامه .

جمع کثیر از خلق ایران به چندین سبب خود را
از وطن ممالک بیرون کشیده در ممالک خارجه
متفرق شده اند . در میان این میاجرین متفرقه
ان اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با اوضاع
ایران تطبیق میکنند ممالها در این فکر بودند که آیا
چچه تدبیر می توان بان بیچارگان که در ایران گرفتار
مانده اند جزئی امدادی برسانند . پس از تفکص و
تفکر زیاد براین عقیده متفق شدند که چچه نجات
وترقی خلق ایران بهتر از یکت روزنامه ازاد هیچ
اسباب نمی توان تصور کرد .

ان چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی و
قدرت روزنامه جات را درست فهمیده اند در این
چهار پنج سال بیکت عزم مردانه افتادند باطراف دنیا
و بهر وسیله چه باصرار چه بانتماس و چه بگذالی
از دولتخواهان ایران وارباب کرم و طالبان ترقی
امانهای وانر جمع نمودند و بعون الهی این روزها
یکت کمپنی معصومی تهریب دادند باین عزم مبارک

که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامه جات
و کتابهای مفید انتشار بدهند که از ان جمله
یکی همین جریده قانون است .

ایران مملو است از نعمات خداداد .
چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن
قانون است .

هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زوراکه
قانون نیست .

حاکم تعیین میکنیم بدون قانون . سرزیب مغزول
میکنیم بدون قانون . حقوق دولت را میفروشیم
بدون قانون . بدکان خدا را حبس میکنیم بدون
قانون . خزانه می بخشیم بدون قانون . شکم یاره
میکنیم بدون قانون .

در هند در پاریس در تغلیس در مصر در
اسلامبول حتی در میان ترکمن هرکس میداند که
حقوق و وظایف او چیست .
در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست
و خدمت کدام .

فلن میباید را چچه قانون اخراج کردند .
مواجب فلن سرزیب را چچه قانون قطع نمودند .
فلن وزیر بکدام قانون مغضوب شد .
فلن سفیه چچه قانون خلعت پوشید .
هیچ امیر و هیچ شاهزاده نیست که از شریبه
زندگی خود بقدر غلامان سفرای خارجه اطعمان
داشته باشد .

Subscription,
£1.

Hanoun.

FEBRUARY 20,
1890.

(THE LAW.)

گمانیکه طالب و مستعد این خدمت باشند سن و حسب و نسب و شغل و احوال شخصی و معلومات و توقعات خود را با دانه این جریده بنویسند. تکالیف و تحریرات مستکنده ایشان به منت قبول خواهد شد.

توقع ما از شخص منشی از این قرار است: باید سواد فارسی و عربی داشته باشد. باید خیلی درستکار و درست‌الطوار و شخصاً آدم تجیب و طالب کمالات علمی باشد. در صورت قبول شرایط مطلوبه خرج سفر تا بلندن داده خواهد شد. اشخاصی که بخواهند در ممالک ایران یا در خارج از هرجا که هستند اخبار نویس ما باشند بانها نیز باندازه قابلیت ایشان مرسوم معین خواهیم داد.

از برای امنیت و آسوده‌گی مضمیران ما از حالا صراحة تعهد میکنیم که در هیچ صورت اسم هیچ مضمیری را بر رو نخواهیم داد حتی قبول داریم که مضمیران ما اسم خود را هیچ بما ننویسند. چیزی که توقع داریم اینست که آنچه مینویسند صحیح و برحسب نیت و مطابق آئین دولت پرسی باشد.

و اگر خدای نخواستہ سهواً یا از زبان ایشان یا از قلم ما لفظی یا کنایه ظهور نماید که بقدر ذره خلاصه حقایق اسلام یا مناف شرایط دولتی یا سایر وظایف ادبیت باشد از حالا بهر زبان استغفار میکنیم.

کذاشته با همه اقتدار سلطنت افتاده است بجان خلق این مملکت. چون خودش از هر نس فسل و قابلیت عاریست بقای مسند خود را بر این قرار داده که جمیع ارباب فضل و چاکران قابل حتی منسوبان سلطنت را یک بیگ بدنام و ذلیل و از دایره امور اخراج بکند. الا کل حقوق ملت بازچه اغراض این جوان است و عموم خلق از سوه الطوار او چنان متنفر و مضیر هستند که راضی بمرکت و طالب هر نوع انقلاب شده اند. آیا ما که نوکر مدیق دولت هستیم با رزالت چنان وزارت چه باید بکنیم. فتوای متعبد طوری است که نمی توانیم و نمیخواهیم ایندنه چاپ بکنیم.

اعلان

کمپانی این جریده چند نفر منشی و مضمیر قابل لازم دارد.

چون تقریب این تبیل انطباعات در حق دولت و ملت از جمله خدمات شایسته خواهد بود یقین داریم که بسی از ارباب غیرت طالب معاونت این جریده خواهند شد.

از برای هوشی و هر مضمیر از جانب کمپانی خیلی بیش از آنچه در ایران به منشی‌های دولت میدهند مراجب و مرسوم معین شده است. مقدار مراجب و مرسوم بسته بدتوه تحریر و باندازه فصل منشی خواهد بود.

از این جریده قانون یکد دانه از برای بعضی معتبرین یکت نسخه مجاناً فرستاده میشود اگر تمهید مالیانه انرا نرسانند نسخه دیگر فرستاده نخواهد شد.

All Subscriptions for this Periodical should be sent by Post Office Orders to The Oriental Press Association, Limited, 38, Lombard Street, London.

ورود قانون به ایران ممنوع!



قانون



قیمت اشتراك
یکذره غیرت

حقتك بك نمره طبع
و توزیع میشود

چاپخانه میرزا امامکرم خان ناظم الدوله
اتفاق عدالت ترقی

محل صدور این جریده در دفتر خانه کهنای انطباعات عمرلی در کوچه لومبارد ۳۸ در لندن
محل توزیع در طهران و تبریز حکتابخانه تربیت

بی قانون باید مالیات داد باز پس از مذاکرات طولانی قرار مجلسی بر این شد که مطلب را از علمای بزرگ استفاده نمایند جوابهایی که از اطراف رسید خیلی مفصل و اغلب عبارات مطلق و بزرگان عربی بود خلاصه احکام حضرات را بزبان ساده که مقرون بفهم عام باشد در اینجا ثبت مینمائیم

مالیات اسیبناک است که از برای تقویت و اجرای قوانین شریعت خدا وضع شده دولتی است که قانون نداشته باشد حق ندارد که مالیات بخواهد اگر يك دولت بی قانون بخواهد اموال مسلمانان را بزور بگیرد و بدون هیچ نوع حد و سد صرفی حفظ نفس خود بکند دادن مالیات بچنان دولت عمل حرام و خلاف شریعت خدا و برضد مذهب عامه خواهد بود مالیات فورا خانه حقوق ملت میباشد یعنی باید صرفی حفظ حقوق ملت بشود لهذا وظیفه شرعی ما اینست که این فورا خانه ملت را بپاریم دست مستحقین حقوق ما نه اینکه تسلیم آن اشخاص نمائیم که غصب و اضمحلال حقوق ما را حق و پیشه مخصوص خود قرار داده اند دولت بی قانون آن مالیاتی که برور از يك ولایت میگردد می برد اصیاب غارت ولایت دیگر

شرط دولت حسایی این است که هر سال حساب دخل و خرج خود را يك ترتیب صحیح اعلام نماید این فرار عادلانه که در این عصر رکن ناگزیر نظام دنیا شده مقتضای سایر بدبختیهای ایران در این ملک بقره مجهول مانده است در کل ایران احدی نیست که بتواند بگوید این مالیات همد و جنسی و این همه سر باز و خزاین طبیعی که از ما میگیرند و بیجه قانون و در کجا ها صرفی مینمایند دیوانیان ما بدون رعایت هیچ قانون و بدون ترس هیچ مؤاخذه هر قدر و هر طور که میل دارند مال مردم را میبخوبند و بهر نحو که دلشان میخواهد صرفی آن کارها میکنند که می بیند در يك دولتی که دخل و خرج خزانه این طور از اختیار قانون خارج باشد بدیهیت است که مالیات دیوان و اوضاع سلطنت و ادارات دولت و الت کیه ملت بکوتاه همین تکلیفها و عرق همین رسواییها خواهد بود که الان عموم اهالی این مملکت را از زندگی بیزار ساخته است چون این مسئله مالیات از اصول نظام عالم است تحقیق و قطع این مسئله در مشهد مقدس بدون اطلاع دیوانیان يك مجلس مخصوص ترتیب دادند اصل مسئله این بود آیا بدولت

جریدان شناسی تحلیلی جرید فارسی روزنامه قانون ۲۸۶

اتای محترم .

اوضاع همین است که می بینید . دنیا مشغوش و حالت شما مشغوشتر . شما بر حسب ظاهر زنده هستید ولیکن ما میدانیم در باطن از این زندگی خود چه قدر خسته شده اید . و الان که شما این سطر را میخوانید ما خوب می بینیم در دل خود چه نوع هم و تم نگفتنی دارید

به تعجب فکر میکنید که ما کیستیم .

ما همان خیر خواهان صدیق هستیم که میدانید . شما در این مدت از حقیقت حال ما خیلی بعید ماندید . اما برعکس شما ما از اول تا آخر همه جا مواظب احوال شما بوده ایم .

بلی شما در دنیا خیلی تنها مانده اید و تنهایی بدترین درد دنیاست .

ما هم یک وقتی بدتر از شما گرفتار همین درد بودیم . اما حالا در این گوشه خلوت بشما خبر میدهم که به یکت فضل رحمانی که تفصیل آنرا بعد خواهید فهمید این اوقات ملحق شده ایم به یکت اردوی اتحاد که از دقایق ترتیب و از وسعت نفوذ آن آنچه بگوئیم بنظر شما اغراق خواهد آمد . چیزیکه شما خودتان به اندک تحقیق خواهید یافت اینست که سلسله اتحاد ما الان کل این اقالیم را در ظاهر و باطن احاطه دارد .

مقصود سلسله ما خیلی مهل و مثل افتاب روشن است . ما فهمیده ایم که بواسطه تنهایی در

دنیا چه قدر مظلوم بوده ایم و حالا میخواهیم دیگر تنها نباشیم . ما ظهور فضائل انسانی را بسته بقدرت جماعت میدانیم و از برای نظم و رفاه و ترقی جماعت روح شریعت اسلام را هادی مطلق می شناسیم . دین ما دین خدا . طریقت ما طریقت ادهیت . مراد ما سعادت ربی ادم

اگرچه ما بمعرفت رحمت الهی محیرخواه عموم ملل هستیم ولیکن از برای انتخاب اختیار انسانی بعضی تعلیمات و قواعد دقیق بما رسیده که از لی جمله یکی همین طرز خطاب غیبی است

خیال نکنید که این لایحه خود بخود بدمت شما افتاده . در هر جا بهر ترکیب و بهر راه که بشما برسد بدانید که دوستان مخصوص شما دانسته و به تدبیر به آن راه بشما رسانده اند

موافق اصول ما از امروز که این لایحه را میخوانید بر ما واجب است که شما را وجود معقول و لایق اتحاد ادهیت بدانیم

شما معنی اتحاد ما را خواهد فهمید خواه فهمید ما از حالا مختص و ممد و مددست صدیق شما هستیم از این ساعت خیر شما خیر ما و دشمن شما دشمن ما خواهد بود

در این صفحات بهر شهری که وارد بشوید جمعی از اخوان ما را حاضر خدمت خواهید یافت . حجت اخوت شما همین لایحه خواهد بود . و اگر این لایحه در دست حاضر نباشد کالی است که بگوئید — من ادم هستم — بجزرد شنیدن این کلمه شما را ادم

فانون

نمرهٔ چهل و یکم .

اتفاق . عدالت . ترقی .

قیمت اشتراک
رحمت ابلاغ این نسخه
بیست ادم دیگر .

حضور همایون .

روز شنبه گذشته ما را باز علی الغفله احضار فرمودند . ایندفعه بیش از شصت نفر بودیم . مجلس رنگ دیگر پیدا کرد . همین که نشستیم اعلیحضرت اقدس همایون بدون هیچ مقدمه فرمود — حضرات . امین الدوله استعفا کرد . تدبیر دیگر لازم شده است . بگوئید چه باید کرد .

هیچکس عرضی نکرد .

ذات اقدس خطاباً بمشیرالدوله فرمود — مشیرالدوله . بعضیها شما را شیخ‌الوزرا میگویند و باید هم اینطور باشد . اول شما بگوئید .

مشیرالدوله — مطلب واضح است . وضع درخانه ما را باید حکماً تغییر داد .

عقل الممالک — معنی این حرف را نمیفهم . نظم و عدالت یک دولت بهتر از آنچه در زیر سایه همایونی داریم در کدام لندن شما دیده شده است .

اعلیحضرت همایون در ضمن بخند فرمود —

حضرات . میخواهم این مجلس مجلس صدق باشد . شما اذن میدهم بلکه حکم میکنم که بهر آزادی که شما میخواهید حقیقت اوضاع ما را درست بشکافید . اما بظوری خوب بشکافید که دیگر امثال عقل الممالک نتوانند هر ساعت بر اقدامات تازه ما ایراد بگیرند .

مشیرالدوله — حالا که حکم همایون بر بیان حقیقت است عرض میکنم که در این عهد از

عدالت زیان میستوبیم . ذات اقدس هم از روز اول بقدری که ممکن بود در این باب تأکید فرمودند . ولیکن ما باز بسبب سابق بی آنکه ابتدا به اوامر همایون و به هیچیک از قوانین دنیا اعتنائی نمائیم مال و ملک و همه چیز رعیت را بمیل خود ضبط میکنیم . مناصب و القاب و حکومتها و سفارتها را بدلقوا خود میفروشیم . شاهزادگان و مجتهدین و اعیان ملت را هر دقیقه که میخواهیم بدون سؤال و جواب اخراج بلد میکنیم . کوش و دماغ و دست و سر مردم را بیست اشاره میبریم و بازم می‌برسیم و فتح ما چه عیب دارد .

عین الدوله — و حقیقتاً هم از برای وزیرای ما هیچ عیب ندارد . زیرا که بعضی پوشیدن خلعت جمیع نعمات ایران را میراث پدر و حتر مخصوص متعلقان خود قرار میدهند . آنچه عقل و معرفت هست از دایرهٔ امور اخراج و آنچه حماقت و ذنالت هست بر دور خود جمع میکنند و بعد از آنکه بزور غضب و دزدی و بیدینی بر رعیت و بر خود پادشاه خوب مسلط شدند آنوقت هر صبح و شام بر ما و بر کابینات منت میگذارند که اگر ما نباشیم شما همه معدوم خواهید بود .

— اعلیحضرت اقدس بی آنکه بروی مبارکت هیچ اثر تکدر ظاهر بسازد بیست تلطیف خاص فرمود —
ناظم الدوله . شما از مجتهدین این مسائل بوده اید . چرا حرف نمیزنید .

ناظم الدوله — عرض بنده یک کلمه است .

اولیای ما خواب و دولت ما در حالت نزاع است .

کنج المملکت — آقای ناظم الدوله فراموش